



۲۰۱۷/۰۴/۰۹



خلیل الله ناظم باختري

## مرغکِ بیچاره

مرغکِ بیچاره را دیدم که پرپر کرد و رفت  
آرزوی دام یک صیادِ دیگر کرد و رفت  
قفلک و زنجیر زندان را به منقارش شکست  
نعره آزادی و الله اکبر کرد و رفت  
یادش آمد پرفشانی های هنگامِ شباب  
سر بجنابید و افسوس سراسر کرد و رفت  
قطره های خون دل را رهنمون شد تا به چشم  
اشک غم بارید و آن گاهی مکرر کرد و رفت  
سر به سر گفتا جفا و درد دوران قفس  
داستان زندگی را درج دفتر کرد و رفت  
آدمی چون کوه اگر باشد بیاید در صدا  
{ناظم} ما این سخن بشنید و باور کرد و رفت

\*\* \*\*

\*\* \*\*

\*\*

الحاج خلیل الله ناظم باختري

تنظیم و ویرایش: A.A.O.